

شرح درس 1

۱- بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار * خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

تعداد جمله :

1 - بامدادی که لیل و نهار تفاوت نکند

2- دامن صحرا و تماشای بهار خوش بود

آرایه ها : تضاد (لیل و نهار) / جناس ناقص اختلافی در حرف اول (بهار و نهار) / تناسب (صحرا و بهار) / (بامداد ، لیل ، نهار) / تفاوت نکردن لیل و نهار : اشاره به مساوی بودن / طول شب و روز در سال دارد که دوبار اتفاق می افتد :

1- در آغاز بهار

2- در ابتدای پاییز

معنی : صبح زود که هنوز هوا کاملاً روشن نشده است و طول شب و روز یکسان است ، رفتن به دامن صحرا و تماشای بهار بسیار خوب است.

۲- آفرینش همه تنبیه خداوند دل است * دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

تعداد جمله: 1- آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

2- دل ندارد

3- که به خداوند اقرار ندارد

آرایه ها : واج آرایی حرف « د » / جناس ناقص اختلافی در حرف اول (که و به) / دل : مجازاً انسان / جناس تام (خداوند در مصراع اول یعنی صاحب ، دارنده و در مصراع دوم به معنی پروردگار ، خالق)

نکته ی دستوری : آفرینش (آفرین + ش) واژه ی « مشتق » « که » در مصراع دوم به معنی « کسی که » ضمیر مبهم

معنی : همه ی پدیده های آفرینش ، وسیله ای برای آگاهی بخشیدن به انسان است و هر کس که با دیدن این زیبایی ها به وجود خداوند اقرار نکند ، در واقع اصلاً دل ندارد و زنده نیست .

۳- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود * هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

تعداد جمله: 1- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود (هست)

2 - هر که فکرت نکند

3 - نقش بر دیوار بود

آرایه ها: تناسب (در و دیوار) / ناقص اختلافی در حرف اول (بر و در) // تشبیه انسان بی فکر به « نقاشی روی دیوار »
تکرار واژه ی « نقش »

معنی : هر کسی که با دیدن این همه نقش های زیبای خداوندی در این دنیا به فکر فرو نمی رود و ایمان نمی آورد ، درست مانند نقاشی و عکس بدون جان و روحی است که بر روی دیوار رسم می کنند.

4 - کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند * نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

تعداد جمله : 1- کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

2 - نه همه مستمعی این اسرار فهم کند

آرایه : تناسب (کوه ، دریا ، درختان) / تشخیص (کوه و دریا و درختان در حال ستایش هستند .) // بیت « تلمیح » به آیه ی قرآن دارد : « يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ » آنچه در آسمان ها و زمین است خدا را تسبیح می گویند .

معنی : کوه و دریا و درختان (همه ی موجودات) در حال ستایش خداوند هستند . این نکته را همه می شنوند ، ولی هر شنونده ای قادر به درک این اسرار نیست.

5 - خبیرت هست که مرغان سحر می گویند * آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار ؟

تعداد جمله : 1 - خبیرت هست

2 - که مرغان سحر می گویند

3 - ای خفته

4 - آخر سر از خواب جهالت بردار

آرایه : جناس ناقص افزایشی در حرف وسط (سر و سحر) / اضافه ی تشبیهی (خواب جهالت) / تناسب (خواب ، خفته ، سحر) / کنایه (سر از خواب برداشتن : کنایه از آگاهی و بیداری)

* نکته ی دستوری : « ت » در خبرت ، « نهاد » است.

معنی : آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می گویند : ای انسان غافل ، از بی خبری و نادانی رها شو.

۶- تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش * حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تعداد جمله : 1- تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش (داری)

2- حیف باشد

3- که تو در خوابی

4- و نرگس بیدار

آرایه : تضاد (خواب و بیدار) / تشبیه (شباهت تو به بنفشه) / تشخیص (گل نرگس بیدار است) / تناسب (بنفشه ، نرگس) / جناس ناقص اختلافی در حرف اول (در و سر) / بنفشه : نماد غفلت و سرافکندگی / نرگس : نماد بیداری ، بینایی و آگاهی / سر غفلت در پیش گرفتن (کنایه از غفلت و بی خبری)

معنی : ای انسان غافل ، تا کی می خواهی مثل گل بنفشه (که ساقه ی خمیده دارد) در غفلت و بی خبری به سر ببری . حیف است که تو بی خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد .

-در ادبیات کهن ما « گل نرگس » نماد چشمان باز و بیدار و زیباست و « گل بنفشه » به دلیل ساقه ی خمیده اش مثل انسانی سر به زیر انداخته و قادر به دیدن نیست ، گل بنفشه مثل انسان در حال تعظیم نیز در اشعار آمده است .

۷- که تواند که دهد میوه ی الوان از چوب ؟ * یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار ؟

تعداد جمله :

1- که تواند

2- که از چوب میوه ی الوان دهد

3- یا که داند

4- که از خار گل صد برگ بر آرد

آرایه :چوب (مجازاً درخت) /تضاد (گل و خار)/مراعات نظیر(گل ، برگ ، میوه)/ تکرار : از – که

نکته : « که تواند » به معنی چه کسی است و « که » بعد از آن در جایگاه حرف ربط است

معنی : فکر کن که چه کسی غیر از خداوند می تواند ، از چوب خشک ، میوه های رنگارنگ به وجود آورد و یا چه کسی از میان خار ، گل های صد برگ می آفریند ؟ (در واقع شاعر سوال و استفهام انکاری آورده است. با طرح این سوال می خواهد تأکید کند که هیچ کس نمی تواند از چوب خشک ، میوه های رنگارنگ و از خار ، گل های زیبا به وجود آورد .)

۸- عقل حیران شود از خوشه ی زرین عنب * فهم عاجز شود از حقه ی یاقوت انار

تعداد جمله :

1 - عقل از خوشه ی زرین عنب حیران شود

2 - فهم از حقه ی یاقوت انار عاجز شود

آرایه :حیران بودن عقل و عاجز بودن فهم (تشخیص)/مراعات نظیر (عنب ، انار)/حقه ی یاقوت انار : اضافه ی تشبیهی (

دانه های انار به یاقوت و انار به حقه تشبیه شده است)/ تناسب (عقل ، فهم) / (زرین ، یاقوت)

معنی : عقل بشر با دیدن خوشه های طلایی انگور حیران و متعجب می شود و فهم و شعور بشر ، از درک زیبایی و ظرافت دانه های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند می درخشند ، ناتوان است. یاقوت : سنگی قیمتی به رنگ های سرخ ، زرد و کبود

۹- پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز * ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

تعداد جمله :

1 - پاک و بی عیب خدایی (است)

2 - که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند

3 - و لیل و نهار مسخر کند

آرایه :تضاد(لیل و نهار) /مراعات نظیر(ماه و خورشید)/کل بیت « تلمیح » به آیات قرآن

معنی : خداوند پاک و بی عیب با فرمان خود تمام پدیده ها و موجودات را (ماه ، خورشید ، شب و روز) به فرمان خویش در آورده است .

۱۰- تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او * همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

تعداد جمله :

1 - تا قیامت همه اندر کرم و رحمت او سخن گویند

2 - و یکی ز هزار گفته نیاید

آرایه : تضاد (یکی و هزار)

معنی : اگر همه ی مردم دنیا تا روز قیامت درباره ی بخشش و لطف خداوند سخن بگویند باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند ، گفته نمی شود . (در قدیم سقف اعداد هزار بوده)

۱۱- نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است * شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

تعداد جمله :

1 - بار خدایا

2 - نعمت ز عدد بیرون است

3 - شکر گزار هرگز شکر انعام تو نکند

آرایه : مراعات نظیر (نعمت ، شکر ، انعام ، شکر گزار) / ز عدد بیرون بودن : کنایه از بی شمار بودن

* نکته ی دستوری : « ت » در نعمت (مضاف الیه)

معنی : پروردگارا ، نعمت های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی تواند ، شکر نعمت های بی کران تو را به جای آورد.

توجه :

انعام ، به معنی بخشیدن ، هدیه دادن است و

انعام ، یعنی چهار پایان

۱۲- سعیدیا راست روان گوی سعادت بردند * راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

تعداد جمله :

1 - سعدیا

2 - راست روان گوی سعادت بردند

3 - راستی کن

4 - که کج رفتار به منزل نرسد

آرایه : راست رُوان : کنایه از انسان های درست کار / کج رفتار : کنایه از انسان های بدرفتار/جناس ناقص اختلافی در حرف اول (که و به) /گوی سعادت (اضافه ی تشبیهی)/گوی چیزی بردن : کنایه از دست یافتن ، سبقت/ گرفتن ، موفق و برنده شدن/ واژه ی « سعدی » در بیت آخر « تخلص »

* نکته ی دستوری : سعدی : منادا « الف » در سعدیا : حرف ندا/راست روان : راست + رو = واژه ی مرکب/(آن نشانه ی جمع در ساختمان اسم دخالتی ندارد)/کج رفتار : مشتق - مرکب و صفت جانشین اسم / (انسان کج رفتار) [کج + رفت + ار]

معنی: ای سعدی ، انسان های درست کار ، به سعادت و خوش بختی می رسند ، بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش ، زیرا انسان های بدرفتار به هدف و مقصودشان نمی رسند .